

## پیامبر و ائمه فقط در برهه‌های از زمان صلاحیت مرجعیت را داشته‌اند

نامه سرگشاده جمعی از فضلای قم و فارغ‌التحصیلان

تربیت مدرس به رئیس جمهور

ج

ج

ج

ج

نامه سرگشاده جمعی از فضلای قم و فارغ‌التحصیلان  
تربیت مدرس به رئیس جمهور

ج

ج

جمعی از فضلا و مدرسیه حوزه علمیه قم و جمعی  
از فارغ‌التحصیلان تربیت مدرس دانشگاه قم در نامه  
سرگشاده‌ای به رئیس جمهور از وضعیت فرهنگی و  
سیاسی کشور انتقاد کردند.

متن این نامه بدین شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

حضرت حجه‌الاسلام والمسلمین جناب

آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری

اسلامی ایران

با سلام و اهدای درود، فرصت را مغتنم شمرده  
گوشه‌ای از آنچه را در قلمرو وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی صورت پذیرفته است، با آن جناب در میان  
می‌گذاریم، باشد که مرضی خدای تعالی و باعث اقدام  
عاجل آن جناب گردد.

جناب آقای رئیس جمهور

براساس آمار رسمی وزارت کشور جمهوری

اسلامی ایران ۸۲ درصد واجدین شرایط حق رای، در

انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت

کردند و در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری که

به پیروزی جنابعالی فرجام یافت ۸۹ درصد واجدین

شرایط حق رای شرکت نمودند، به دیگر سخن،

مابه‌التفاوت تنها ۷ درصد بود، یعنی حماسه دوم خرداد

را همان کسانی آفریدند که نمایندگان دوره پنجم

مجلس شورای اسلامی را برگزیدند و هیچ آماري هم

در دست نیست که نشان دهد صاحبان آن ۷ درصد به

انگیزه تجدیدنظرخواهی در اصول انقلاب اسلامی و

ارزشهای آن به شما رای داده‌باشند به ویژه اینکه شما

با مدال ((فرزند فاضل و با تقوای حاج آقا روح‌الله)) و با

شعار احیای آرمانهای انقلاب اسلامی به صحنه

انتخابات آمدید، ولی متأسفانه متولیان امور توسعه

سیاسی و فرهنگی دولت حضرتعالی از منظر همان ۷

درصد (به فرض مخالفت) به قرائت حماسه دوم خرداد پرداختند و بیشترین مشکل را برای دولت شما به وجود آوردند!

مواضع معقولتان در آغاز دوران ریاست جمهوری کار را به جایی رساند که تندروترین حامیان رقیب شما در حمایت از جناب عالی سنگ تمام گذاشتند به طوری که یکی از روزنامه ها نوشت، برخی از این کسان به گونه ای سخن می گویند که گویی آنان آقای خاتمی را پیروز کرده اند ((و گاه در محافل خصوصی)) پاره ای از سر رندی می گفتند:

((کاندیدای دوره هفتم جناح راست آقای خاتمی است!)) لکن سوگمندان این برخورد فراجناحی و پرجاذبه شما دولت مستعجلی بود و به یک باره برخی از مدعیان دوم خرداد اعلام کردند: ((این حضرات در مدعایشان نسبت به رئیس جمهور و همکاری با او صادق نیستند و هرکس به خاتمی رای نداده است جایی در قوه مجریه ندارد)) و در مدتی اندک، دست فتنه دراز و تیغ تصفیه تیز گشت و متعاقب آن، وزارتخانه های کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی و حتی آموزش و پرورش به تصفیه شدید جناحی برداشتند و برخلاف سخنان جناب عالی مبنی بر تکریم و پاسداشت انسان و آزادی اندیشه و بیان، به تفتیش عقاید مخالفان همت گماردند و هر کس نشان از شما نداشت حتی بی تفاوتی را درو کردند و تا بدان جا تاختند که فلان مسوول که به علت کارآیی و کاردانی در دولت پیش مورد تشویق و تکریم رئیس جمهور وقت قرار گرفته بود، به اتهام عدم لیاقت از کار برکنار کردند درحالی که اکثر کارگزاران دولت شما، همان کارفرمایان دولت پیشین بودند! قطاری که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وعده داده بود در هر ایستگاه، جمعی را به سرنشینان آن بیفزاید در جهت عکس عمل کرد و در هر ایستگاه شماری از فرزندان انقلاب را بیرون افکند و به جای آنان از عناصر مخالف، معاند و دشمن افکار و عقاید امام خمینی سوار کرد، نتیجه آن شد که پاره ای از مطبوعات میراث خوار دوم خرداد برای اولین بار با طرح ماجرای دروغین و رسوای ((جزیره کوادلوپ))، در غایت بی حیائی ادعا کردند که حضرت امام خمینی از فرانسه درخواست پناهندگی سیاسی نموده است و با این نسبت ناروا به مقام شامخ معظم له و انقلاب اسلامی بی نظیرش توهین کرده و حرمت شکنی روا داشتند.

جناب آقای خاتمی!

تحصن اخیر طلاب و روحانیون حوزه علمیه قم در مسجد اعظم و حمایت قاطع مراجع مسلم تقلید از حرکت آنان که با درخواست مقام معظم رهبری به طور موقت پایان پذیرفت و متعاقب آن شیدآوری و غلط افکنی روزنامه های به اصطلاح زنجیره ای، بهانه ای شد تا مطالبی را به طور شفاف با حضرت عالی در میان بگذاریم ولی به دلایلی این مهم به تاخیر افتاد



دین منشا خشونت است)) (۸)

ب) درباره احکام شریعت نیز گفتند: ((ارتداد حق طبیعی هر انسان است و ادیان همگی حقانیت بالفعل دارند)) (۹)، ((در فرهنگ ملی ما چادر یک حجاب برتر نیست... درحالت گذار از سنت به مرحله مدرنیته هستیم که زنان مشارکت‌های بیشتری در جامعه پیدا می‌کنند و می‌روند که سنت‌های متعلق به گذشته را پس برند)) (۱۰) ((حکم سنگسار برخلاف عقل و فطرت انسانی است و زنا صرفاً □ یک لغزش نفسانی دو نفر نسبت به هم است)) (۱۱) ((انقلاب ما دنبال اجرای احکام شرعی نبود)) (۱۲) ((ذخایر فقه شیعه به انتها رسیده است)) (۱۳)، ((در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است)) (۱۴) ((فرهنگ شهادت خشونت‌آفرین است)) (۱۵) و ((مراجع حق ندارند حکم به وجوب شرکت مردم در انتخابات بدهند)) (۱۶)

ج) درباره ولایت فقیه، یعنی افتخار‌آمیزترین یادگار حضرت امام خمینی به ناجوانمردانه‌ترین شکل، تیغ زبان برکشیده و نوشتند: ((حکومت ولایی با حکومت جمهوری در تعارض است)) (۱۷)، ((ولی فقیه وکیل مردم است)) (۱۸)، ((حضرت علی (ع) نیز مشروعیت زمامداری خویش را ناشی از بیعت مردم می‌دانست)) (۱۹)، ((نظریه کشف در باب ولایت فقیه دیدگاه امام خمینی غیر علمی و مخالف امنیت ملی است.)) (۲۰) ((جامعه ولایی، انحصارگر و مستبد است.)) (۲۱) ((ولایت فقیه؛ یعنی حکومت توتالیتر و ضد مردمی)) (۲۲) ((ولایت فقیه؛ یعنی خودکامگی و توسعه سیاسی نفی خودکامگی است.)) (۲۳) ((اندیشه مدینه فاضله و آرمان شهری‌گری، اندیشه‌ای ویرانگر است.)) (۲۴) ((نظریه عینیت سیاست و دیانت [دیدگاه امام خمینی و شهید مدرس] زاییده افکار عامیانه و قدیمی است)) (۲۵) و ((امام خمینی و شهید نواب صفوی خشونت‌گرا و کسروی و حکیمی‌زاده اصلاح‌طلب بوده‌اند.)) (۲۶)

د) درباره روحانیت با عناد و کینه قلم فرسودند که: ((نهاد روحانیت مانع مشارکت زنان است)) (۲۷) ((حوزویان دچار تحجر فکری‌اند)) (۲۸) ((روحانیت قشری‌گرا، انحصارطلب و حتی تقلید از امام خمینی کورکورانه بوده است.)) (۲۹) و در تلاشی هماهنگ جهت تضعیف و تخریب نقش روحانیت اصیل در تاریخ بیداری ایرانیان، علامه مجلسی را ((توجیه‌گر قدرت سرکوبگر صفویه)) (۳۰) و شیخ فضل‌الله نوری، شهید راه مشروطه مشروعه را، ((مستبد و مخالف حاکمیت مردم)) معرفی کردند (۳۱) و بی‌پروا به تز اسلام منهای روحانیت فتوا دادند. (۳۲)

ه) ماهیت نظام اسلامی و کارکرد گذشته و حال آن به ویژه دهه مبارک امام خمینی را با درستی تمام و جسارت کامل مخدوش و نفی کرده، در این باره نوشتند: ((جمهوری اسلامی حکومت لمینیسیم و فشار است)) (۳۳) ((حاکمیت کنونی در صدد تامین منافع ملی

نیست)) (۳۴) و ((تبعیت سیاست ملی و نظام از ایدئولوژی فاجعه‌آمیز است.)) (۳۵) ((سیاست‌های دهه اول انقلاب، غیر کارا و ناموفق بوده است.)) (۳۶) ((انزوا و عقب‌افتادگی ثمره دو دهه انقلاب است)) (۳۷) ((از ابتدای انقلاب تاکنون هیچ فردی نتوانسته هیچ یک از مسائل اقتصادی کشور را حل کند.)) (۳۸) و ((راه حل مشکلات کشور در گرو رابطه با آمریکا است)) (۳۹) ((اباحه‌گری جزو لاینفک جامعه مدنی است و اگر می‌خواهید در تشکیل جامعه مدنی سهیم باشید موسیقی پیام‌رسان سازتان را نه در خلوت انس بلکه بر سر کوچه‌ها بنوازید.)) (۴۰)

حضرت آقای خاتمی!

جناب عالی نیک می‌دانید که روحانیت شیعه نه با هنر مخالف است و نه با آزادی مطبوعات، بلکه تاریخ انقلاب اسلامی گواه است که روحانیت برای عزت، سربلندی و آزادی این کشور بزرگ، جان بهترین فرزندان را نثار کرده است و اصولاً آزادی بیان و اندیشه، خواسته قلبی همه کسانی است که سال‌های سختی مبارزه و محرومیت رژیم ستم‌شاهی را تا اعماق وجود درک کرده‌اند. ما بر این باوریم که در صورت شرایط مساوی در ساحت تضارب افکار اندیشه دینی از این هماوردگاه فکری سربلند بیرون خواهد آمد، ولی سخن در ایجاد فضائی مشحون از افترا ستیز ارزشها و تهاجمی سازمان یافته به عقاید دینی مردم است و به تصریح وزیر اطلاعات دولت شما، سخن از ((مسائلی است که مطبوعات برخلاف مصالح ملی می‌گویند)) (۴۱) که اندکی از آن گفته آمد.

گروهی قلم به دست مفسده‌جو جمع شده‌اند و هلهله‌کنان هر روز حریمی را می‌درند و عزیزی را ذلیل می‌کنند و برای کنار نهادن دین خدا چاره‌ها می‌اندیشند و نسخه‌ها می‌نویسند، یک روز ولایت ائمه را انکار می‌کنند، روز دیگر عقیده به عصمت انبیا و ائمه علیهم‌السلام را معیوب می‌خوانند، روز سوم حجاب را مسخره می‌کنند، روز چهارم بر حقوق شرعی زن و مرد خرده می‌گیرند و روز پنجم حکم اجماعی سنگسار زناکار محصن را که جزو ضروریات دین است و جز خوارج ناپاک رای ناپاک دست، کسی در آن خدشه نکرده است و جمیع علمای شیعه و تمام ائمه فقه اهل سنت به آن معتقد هستند به وسیله فردی بی‌بهره از دانش و بی‌خبر از دین مورد سؤال و اعتراض قرار می‌دهند و ابلهانه گمان می‌کنند که راه تفکر و تحقیق را به علمای حوزه علمیه نشان می‌دهند که قرن‌هاست هر چه داشته‌اند از جان و مال و آبرو برای حفظ فقه آل محمد(ص) ایثار کرده‌اند و اگر قبل از انقلاب با خطر ترور جسمی مواجه بودند اکنون شخصیت آنها ترور می‌شود.

مگر نمی‌فهمند که این ضربه‌های فکری که آنها با چاپ این‌گونه مقالات بر نسل جوان این کشور وارد می‌کنند جبران‌ناپذیر است آیا زیر سؤال بردن حکم

سنگسار زناکار در روزنامه‌ای که خوانندگان غالباً مردان و زنان جوان هستند و بیشتر آنان فرصت تحقیق نسبت به اصل مساله را ندارند، جز سهل‌شماری گناه بزرگ زنا که وعده عذاب جاوید درباره آن داده شد، اثری دارد؟

آیا اینان خود حاضرند مقاله‌ای را چاپ کنند که به آنها تهمت شنیعی زده است و سپس همزمان با چاپ یک مقاله دیگر از خود دفاع کنند، یقیناً تا سر حد امکان چنین کاری را نمی‌کنند چون می‌ترسند تهمت اثر خود را بگذارد و با چاپ مقالات دیگر نتوان آن را از دل‌ها زدود. حال چرا کاری که نسبت به خود نمی‌پسندند برای عقاید و معارف دینی و فقه آل محمد (ص) تجویز می‌کنند؟

مسوولان فرهنگی کشور که به یمن رای مردم سنگرهای قدرت را تسخیر کرده‌اند بدانند که مردم مسلمان ایران هرگز برای دین‌زدایی از جامعه به آنها رای نداده‌اند، این وسوسه شیطانی را رها سازند که مردم از چهره عبوس اسلام به تنگ آمده بودند، لذا به آنها رای دادند که دین را با ملایمت تمام و در قالب هنر و موسیقی و ورزش به آنان ارائه نمایند زهی خیال باطل! مگر علمای اسلام تا به حال، مردم را به چه چیزی دعوت می‌کرده‌اند که آنان می‌خواهند علیه آنها مشی کنند؟ آیا باید در روزنامه‌هایی که با بودجه بیت‌المال و کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم وزارت ارشاد چاپ و نشر می‌شود بدترین حملات نسبت به شریعت اسلامی و فقه آل محمد(ص) صورت پذیرد و آنان نظاره‌گر، بلکه تاییدکننده آن باشند؟ اگر زمان حاکمیت شاه بود علما و مراجع و طلاب غیور حوزه‌های علمیه تکلیف خود را می‌دانستند، اما اکنون با دلی پرخون و لبانی ساکت در انتظار این هستند تا ببینند آنان که عنوان اسلام را بر روی مراکز فرهنگی خود نهاده‌اند آیا از خواب غفلت بیدار می‌شوند و حرث و نسل مسلمانان را از خطر نابودی نجات می‌دهند یا خیر؟ اگر در زمان حاکمیت طاغوت یک صدم این تهاجمات به فقه شیعه می‌شد مراجع و روحانیون شیعه روز را بر معاندان و بدعت‌گذاران تبدیل به شب تاریک می‌کردند، مگر کسی را زهره این بود که بی‌پاسداشت حرمت حوزه علمیه در مسائل فقهی قلمی بزند و در مسائل اعتقادی تشکیک کند؟ هرگز نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی بزرگ ما که جهان را تکان داده نقطه آغازش نوشتن یک مقاله موهن بر ضد یک مرجع تقلید بود. آیا می‌توان نام این تهاجمات فرهنگی را خردورزی و آزادی نهاد؟

حضرت آقای رئیس‌جمهور!  
همان‌طور که مستحضرید، شکاکیت جدید و نسبی‌گرایی دستاورد اندیشه ((هیوم)) است و غریبان محروم از معارف اهل بیت به این فلسفه‌بافی‌ها پرداختند اما از نظر معارف سره و ناب دینی، چه کسی گفته است که شک و تردید در امور دینی یک ارزش

به حساب می‌آید؟ مگر اینان احادیثی که درباره ارزش یقین در اصول کافی و سایر کتب حدیث نقل شده است خوانده‌اند؟ لابد در دیدگاه اینان کسی که تا به حال هزار بار در عقاید و احکام دین شک کرده است ارزشمندتر از حضرت سلمان فارسی است که گفته‌اند پس از ایمان آوردن، حتی یک لحظه در نبوت پیامبر اکرم (ص) شک نکرد و به مقام ((سلمان مناهل‌البیت)) رسید!

وقتی متولیان امور فرهنگی اجازه می‌دهند این مقالات عنیف و سخیف بر ضد معارف دینی و فقه آل محمد (ص) نوشته شود چگونه انتظار دارند که فرهنگ اسلامی پایدار بماند و جامعه اسلامی رو به صلاح داشته باشد و ارزشهای اسلامی از بین نرود و جوانان فاسد نگردند و خانواده‌ها از هم نپاشد و روند طلاق فزونی نگیرد و دختران جوان جامعه، مادران عفیف فردا باشند؟ متأسفانه مسئولان فرهنگی کشور فرصت‌های طلایی را با بحث‌های بی‌حاصل و درگیری‌های نامیمون جناحی هدر می‌دهند که هم به خاطر افعال زشت جناح‌ها حرمت اولی دارد و هم به سبب زیان رساندن به وحدت جامعه اسلامی به عنوان ثانوی حرام است. این انقلاب آسان به دست نیامده است، نسل جوان کشور که اکنون در دست ماست حاصل خون دل مادران و پدران و روحانیون پاکدل است. در طول تاریخ کشور سابقه نداشته است که روی یک نسل این قدر سرمایه‌گذاری شده باشد. امام و مسوولین و اولیای آنها، خون دل‌ها خورده‌اند که آنان را نسبت به مسائل اسلامی آگاه و متعهد بار آورند، حال چرا کسانی این سرمایه را به هوس برباد می‌دهند؟

این حضرات که این قدر سنگ انتقاد را به سینه می‌کوبند، آن را منحصر در انتقاد از روحانیون و قوانین مذهبی کشور ساخته‌اند و حوزه علمیه به خوبی آگاه است که این نقد و انتقادهای علیه اسلام و روحانیت تنها به انگیزه سیاسی صورت می‌گیرد، هر چند در هفتاد پرده پوشیده باشد. قلم به دستان مزدوری که قبله آنان غرب است سعی می‌کنند با نوشتن مقالات و ایجاد شبهه در اذهان تحصیل‌کردگان و جوانان و زنان مسلمان، روحانیت را در هدایت نسل جوان با چالش مواجه سازند. گروهی از آنان با نامناسب و نادرست شمردن احکام شرعی می‌خواهند حس غیرت مذهبی مسلمانان را کم رنگ کنند. قصد سازمان‌های بین‌المللی نظیر حقوق بشر و عفو بین‌المللی و کنوانسیون‌های دفاع از حقوق زنان و اقلیت‌های فکری و مذهبی هم چیزی جز کنترل کشورهای جهان سوم به کمک ابزارهای فرهنگی نیست، آنان که می‌خواهند بر جهان آقایی و فرمانروایی کنند، نقطه مرگ و حیات ملت‌ها را به خوبی می‌شناسند و حیل‌های تیره در کار می‌کنند تا انقلابیون و آزادیخواهان را در همه دنیا از ادامه مبارزه نومید ساخته و به چنبر اطاعت درآورند. این قلم به دستان بدانند که ویران ساختن فرهنگ کشور

اسلامی برای جلب رضایت استکبار جهانی و صهیونیستم بین الملل گناهی نابخشودنی است. جناب آقای خاتمی!

اخیرا □ سخن از صحت و سقم خبر ورود رئیس سابق سازمان سیا با چمدان پر از دلار به ایران بود، ولی هیچ کس نپرسید که به راستی اگر دولت آمریکا می‌خواست ۲۰ میلیون دلاری که مجلس نمایندگانش به تصویب رساند، برای کارهای مطبوعاتی در کشور ما هزینه کند چه کاری غیر از آنچه پاره‌ای از مطبوعات نویسندگان غیر متعهد این کشور بسامان می‌رسانند، انجام می‌داد؟ چه کاری این دسته از مطبوعات می‌توانستند انجام دهند و انجام ندادند؟ آیا وزیر اطلاعات دولت شما نگفت: ((مسائلی توسط مطبوعات گفته می‌شود که بر خلاف مصالح ملی است؟ افزون بر آنچه گفته شد، نقد و بررسی صدور مجوز برای کتابهای ناسالم و کثرت کتابهای غیرمجاز در کتابفروشیها که بسیاری از آنها مروج لابیگری فکری و بی‌بند و باری اخلاقی هستند و پاره‌ای از آنها توسط نویسندگان شبهه‌افکن و مسالهدار به نگارش درآمده‌اند، بیرون از حوصله این نامه است چه اینکه رواج موسیقی مبتذل و بی محتوا در هر کوی و برزن و ساخت و ساز هنرستانهای موسیقی به گونه‌ای در حال افزایش است که گویی تنها مشکل جامعه ما کمبود این پدیده است و کار به آن جا رسیده که اندک فهمی می‌نویسد: ((مشکل جامعه ما، کمبود متخصص فیزیک و شیمی نیست، کمبود کسانی است که سیرک و قطار شادی را بیندازند، آوازی بخوانند، سازی بنوازند، نقش بنگارند و دستی برافشانند. (۴۲).

آقای مهاجرانی با بیان این که ((من مطابق برنامه‌ای که آقای خاتمی به مجلس داده و برنامه‌ای که خود من به مجلس ارائه داده‌ام عمل می‌کنم (۴۳) و ((تازمانی که رئیس جمهور صلاح بداند به کار خود ادامه می‌دهم)) (۴۴) عملاً □ اشتباه‌های وحشتناک دوران سیاه مدیریت خود را به گردن شما انداخت و شگفت‌آورتر آن که این روند را برنامه مورد تایید مردم خواند و متأسفانه جناب عالی هیچ سخنی در دفاع از خویش بیان نفرمودند!

آقای رئیس جمهور! آیا انکار ولایت ائمه اطهار(ع) و معیوب خواندن اعتقاد به عصمت انبیا و ائمه علیهم السلام و غیر الگو معرفی کردن آنان و انکار ضروریات فقه آل محمد(ص) به کرات و انتشار آن در شمارگان وسیع و تشکیک و ایجاد شبهه در عقاید اسلامی، توهین و هتاکی نسبت به ارکان مذهب و دفاع از برقراری رابطه با آمریکا و اسرائیل و از همه درد آورتر، مهم‌ترین عقاید سیاسی امام خمینی(ره) را تاریخ مصرف گذشته و بر خلاف امنیت ملی خواندن و آن حضرت را العیاذبالله خشونت‌گرا معرفی کردن، خدمت به اسلام، ایران و نسل جوان است یا خیانت؟ و آیا به راستی مردم به چنین برنامه‌هایی رای داده‌اند و

اساساً قابل قبول است که مردم به یک روحانی شیعی از خاندان اصیل روحانی رای داده باشند تا چنین کارهایی در پرتو دولت او انجام شود؟  
جناب آقای خاتمی!  
مستحضرید که آقای مهاجرانی در آغاز پاسخگویی به استیضاح نمایندگان مجلس شورای اسلامی گفت: ((نمایندگان محترم و عزیز استیضاح کننده، گمان می‌کنند بنده از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیایم کنار از نظر شما دیگر فرهنگ، اوضاع و احوال شما پیدا می‌کند؟ اگر واقعا چنین داوری هست جناب آقای ناطق، آقای خاتمی، مقام معظم رهبری با یک اشاره‌ای من کنار می‌رفتم)) (۴۵). ولی با کمال شگفتی اکنون که مقام معظم رهبری به عنوان ولی فقیه زمان، و مراجع مسلم تقلید و قاطبه روحانیت و مردم متدین عدم رضایت خود را از وزارت وی اعلام کرده‌اند، بر خلاف وعده خویش رفتار کرده و انحصار طلبانه به کرسی وزارت چسبیده است و خواب پنج سال دیگر را می‌بیند! در حالی که طبق مبانی دینی، او اکنون فاقد مشروعیت است و حتی از نظر شرعی غاصب این مسئولیت محسوب شده و فردا در پیشگاه عدل الهی باید پاسخگو باشد.

اکنون شایسته است که حضرت عالی، از این شخص سلب مسئولیت کنید و اجازه ندهید که بیش از این حماسه دوم خرداد مورد تحریف قرار گیرد و این روند تلخ ادامه یابد. از خداوند بزرگ در این تصمیم مهم برای شما آرزوی موفقیت می‌کنیم. والسلام علیکم ورحمه وبرکاته

جمعی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم  
جمعی از فارغ‌التحصیلان تربیت مدرس دانشگاه قم

پانویس

- ۱ هفته نامه راه نو (۳ مرداد ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۱۲، ص ۱۸
- ۲ هفته نامه توانا (۲۲ شهریور ۱۳۷۷) سال دوم، شماره ۲۸، ص ۱۱
- ۳ ماهنامه کیان، بهمن ماه ۱۳۷۷
- ۴ ماهنامه زنان، شماره ۵۹، ص ۳۵
- ۵ روزنامه جامعه (پنج شنبه ۷ خرداد ۱۳۷۷) سال یکم شماره ۷۷، ص ۷
- ۶ ماهنامه جامعه سالم (تیرماه ۱۳۷۷) سال هشتم، شماره ۳۹، ص ۶۹
- ۷ هفته نامه ایران جوان (پنج شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۷۷) سال دوم شماره ۴۷، ص ۴۶
- ۸ روزنامه ایران (چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۷۷) شماره ۱۰۵۱، ص ۱۰
- ۹ ماهنامه کیان فروردین ۱۳۷۸
- ۱۰ روزنامه زن (شنبه ۲۸ آذر ۱۳۷۷) شماره ۱۱۲، ص ۱۱
- ۱۱ همان (دوشنبه ۹ آذر ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۹۷، ص ۸۹
- شماره ۹۸، ص ۱۱
- ۱۲ روزنامه صبح امروز (چهارشنبه ۲۵ فروردین ۱۳۷۸) سال دوم شماره ۸۹، ص ۶
- ۱۳ کیان (بهمن و اسفند ۱۳۷۷) سال هشتم، شماره ۴۵، ص ۳۲

- ۱۴ صبح امروز، شهریور ۱۳۷۸
- ۱۵ روزنامه نشاط، خرداد ۱۳۷۸
- ۱۶ هفته نام پیام هاجر (سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۳۷۷) شماره ۲۳۹، ص ۴
- ۱۷ راه نو (۴ مرداد ۱۳۷۷) شماره ۱۴، ص ۱۲
- ۱۸ هفته نامه آبان (شنبه ۲ آبان ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۴۸ ص ۵
- ۱۹ روزنامه همشهری (یکشنبه ۲۶ مهر ۱۳۷۷) سال ششم شماره ۱۶۷۰، ص ۶
- ۲۰ روزنامه جامعه (دوشنبه ۲۹ تیر ۱۳۷۷) شماره ۱۱۷، ص ۴
- ۲۱ پیام هاجر (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷) سال هجدهم، شماره ۲۳۳، ص ۳۳ ۲۰
- ۲۲ روزنامه همشهری (پنج‌شنبه ۱۹ شهریور ۱۳۷۷) سال ششم، شماره ۱۶۳۸، ص ۶
- ۲۳ آبان (شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۳۶، ص ۶
- ۲۴ راه تو (۱۴ شهریور ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۲۰، ص ۹ ۶
- ۲۵ آبان (۲۱ شهریور ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۴۲، ص ۵
- ۲۶ روزنامه نشاط اسفند ۱۳۷۷
- ۲۷ ماهنامه زنان (مهر ۱۳۷۷) سال هفتم، شماره ۴۷، ص ۱۴ ۱۲
- ۲۸ پیام هاجر (خرداد و تیر ۱۳۷۷) سال هجدهم، شماره ۲۳۴، ص ۴۰
- ۲۹ روزنامه ایران (چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۷۷) سال چهارم، شماره ۱۰۳۹، ص ۱۰
- ۳۰ ماهنامه ایران فردا (مرداد ۱۳۷۷) سال هفتم شماره ۴۷، ص ۴۸
- ۳۱ هفته نامه مبین (شنبه ۸ مرداد ۱۳۷۷) سال هفتم، شماره ۴۲۵، ص ۴۵
- ۳۲ ایران فردا (تیرماه ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۴۳، ص ۴۵
- ۳۳ آبان (شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۴۳، ص ۴۰۰۵
- ۳۴ پیام هاجر (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷) سال هجدهم شماره ۲۳۳، ص ۵۰۰۷
- ۳۵ آبان (شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۴۱، ص ۷
- ۳۶ ماهنامه کیان (خرداد و تیر ۱۳۷۷) سال هشتم، شماره ۴۲، ص ۴۰
- ۳۷ ایران فردا (شهریور ۱۳۷۷) سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۳۸ هفته نام آزادی (شنبه ۲۸ شهریور ۱۳۷۷)، شماره ۲۴، ص ۸
- ۳۹ راه نو (۳ مرداد ۱۳۷۷) سال اول، شماره ۱۴، ص ۳۲ ۳۰
- ۴۰ نگاه نو (فصلنامه بهار ۱۳۷۷)، شماره ۳۶، ص ۸۸ ۲۱
- ۴۱ انتخاب (چهارشنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۷۸) ش ۲۳۱، ص ۵
- ۴۲ نگاه نو، همان
- ۴۳ انتخاب (چهارشنبه ۲۹ دی ۱۳۷۸) ش ۲۳۱، ص ۲
- ۴۴ عصر آزادگان (دوشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۷۸) ش ۹۹، ص ۴
- ۴۵ استیضاح (تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۷۸) ص ۲۰۱

چ

تمام حقوق محفوظ و متعلق به [روزنامه جمهوری اسلامی](#) است.  
مجری فنی: موسسه گسترش اطلاعات و ارتباطات فرهنگی [ندارایانه](#).

